





دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه ادبیات فارسی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

تسبیح کائنات در اشعار سنایی و عطار

استاد راهنما:

دکتر اسحاق طغیانی

استاد مشاور:

دکتر محمود براتی

پژوهشگر:

سکینه خیبری

کتابخانه ادبیات فارسی
تسبیح کائنات

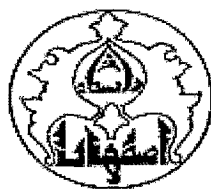
۱۳۸۸/۱۰/۲۷

خردادماه ۱۳۸۸

۱۳۰۰۰۴

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقق موضوع
این پایان‌نامه متعلق به دانشگاه اصفهان
می‌باشد.

شبهه نگارش پایان نامه
رعایت شده است
تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه ادبیات فارسی

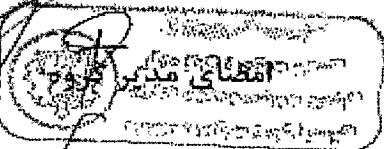
پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی
خانم سکینه خیبری

تحت عنوان

تسبیح کائنات در اشعار سنایی و عطار

در تاریخ ۸۸/۳/۲۴ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه بسیار خوب به تصویب نهایی رسید.

- | | | | | |
|-----------------------------|-------------------------|-----------------|----------|------|
| ۱- استاد راهنمای پایان نامه | دکتر اسحاق طغیانی | یا مرتبه‌ی علمی | دانشیار | امضا |
| ۲- استاد مشاور پایان نامه | دکتر محمود براتی | با مرتبه‌ی علمی | استادیار | امضا |
| ۳- استاد داور داخل گروه | دکتر سیده مریم روضاتیان | با مرتبه‌ی علمی | استادیار | امضا |
| ۴- استاد داور خارج از گروه | دکتر علیرضا جلالی | با مرتبه‌ی علمی | استادیار | امضا |



تقدیر و تشکر

با تشکر و تقدیر از راهنمایی‌های استاد محترم جناب آقای دکتر اسحاق طغیانی که در انجام این کار تحقیقی کمک شایانی نمودند و همچنین با تشکر از همکاری جناب آقای دکتر محمود براتی که مشاوره این رساله را به عهده داشتند. از سرکار خانم دکتر روضاتیان به عنوان داور داخل گروه و جناب آقای دکتر جلالی داور خارج از گروه نیز سپاسگزارم.

تقدیم

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

اسوه های صبر و دلسوزی

که درخشش نگاهشان بدرقه‌ی راهم بود...

چکیده

تسبیح منزه داشتن خداوند متعال است؛ یعنی هر چیزی که مستلزم نقص و حاجت و ناسازگاری با ساحت کمال قدس او باشد از آن ساحت رد و نفی نمایی.

این رساله در ۵ فصل سامان یافته است که فصل اول تبیین مسأله پژوهشی، اهداف، فرضیات و پرسش‌ها و پیشینه تحقیق را در بر دارد. فصل دوم در ۸ بخش تنظیم یافته است. در این فصل به مباحثی چون: تسبیح در لغت و اصطلاح، حمد، وجود شعور در تمام موجودات جهان، آیات تسبیح در قرآن و تسبیح در نهج البلاغه و روایات پرداخته می‌شود. در فصل سوم تأثیر قرآن و حدیث بر شعر شاعران فارسی مورد بررسی قرار می‌گیرد، زیرا همان طور که می‌دانیم تردیدی نیست که سخنوران پارسی زبان همواره در سروده‌های خود از آیات و مضامین ناب قرآنی استفاده کرده‌اند که این مسأله در طول دوره‌های مختلف به حسب شدت و ضعف آن به عوامل متعددی از قبیل علایق مذهبی، دینی، اجتماعی و سیاسی دوره و عصر بستگی داشته است.

فصل چهارم نیز در ۸ بخش مرتب شده است. در این فصل مباحثی چون عرفان در قرن ششم، سبک عهد سلجوقی، خدا از دیدگاه سنایی، تسبیح خداوند با اسماء الحسنی، تسبیح پرندگان، رعد و... مطرح می‌شود. فصل پنجم در ۶ بخش تنظیم یافته است. در این فصل مباحثی چون: عرفان عطار، مقام عطار، خدا از دیدگاه عطار، اسماء الحسنی در شعر عطار، تسبیح خداوند از ناحیه خود، تسبیح ذرات عالم و... اشاره می‌شود.

هدف انجام این رساله، بررسی تجلی تسبیح در اشعار سنایی و عطار است، که پس از بررسی موضوع به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای و با تکیه بر تحلیل محتوا و آثار نظم هر یک از دو شاعر، به نتایج دست یافتیم که عبارتند از:

الف) تسبیح عبارتند است از میرا دانستن خداوند از نقائص امکان.

ب) قرآن در آیات مختلف تمامی موجودات را تسبیح گوی ذات اقدس الهی معرفی می‌کند؛ همان طور که در این آیه نیز مانند آیه‌های دیگر به این حقیقت اشاره می‌کند: «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (اسراء/ ۴۴)

ج) سنایی و عطار همواره با طبع سلیم خود، مناسب‌ترین موضوع‌های تسبیح را، در موارد صحیح خود به کار بسته و دفتر شعر خود را به مضامین زیبای تسبیح مزین نموده‌اند و از این طریق شعر را دست مایه‌ای برای رسیدن به اهدافی چون: اظهار دانشمندی، رسیدن به مراحل عرفانی، پند و موعظه و، پرورش مرید و... قرار داده‌اند.

د) از دید شاعرانی چون سنایی و عطار که از زمره‌ی عارفان نیز بودند، کل ذرات عالم آن چه در آسمان‌ها و زمین است به زبان قال، تسبیح گوی ذات اقدس الهی است. اگر ما انسان‌ها، قدرت درک و فهم تسبیح آن‌ها را نداریم دلیل بر این نمی‌شود که تسبیح گویششان را انکار نماییم.

کلید واژه‌ها: تسبیح، ستایش، سنایی، عطار.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۱	۱-۱- تبیین مسأله پژوهشی و اهمیت آن.....
۲	۲-۱- اهداف.....
۲	۳-۱- فرضیات و پرسش ها.....
۳	۴-۱- پیشینه تحقیق.....
۳	۵-۱- روش تحقیق و مراحل آن.....
	فصل دوم: تسبیح در قرآن و روایات
۴	مقدمه.....
۵	۱-۲- تسبیح در لغت.....
۶	۱-۱-۲- تسبیح در اصطلاح.....
۸	۲-۲- سبحان.....
۹	۳-۲- حمد.....
۱۰	۱-۳-۲- رابطه تسبیح و تحمید.....
۱۲	۴-۲- وجود شعور در تمام موجودات جهان.....
۱۵	۱-۴-۲- کیفیت تسبیح موجودات.....
۲۱	۵-۲- آیات تسبیح.....
۲۱	۱-۵-۲- آیات عامه.....
۲۲	۲-۵-۲- آیات خاصه.....
۲۲	۱-۲-۵-۲- تسبیح خداوند از ناحیه خود.....
۲۳	۲-۲-۵-۲- تسبیح آسمان ها و زمین برای خدا.....
۲۳	۳-۲-۵-۲- تسبیح ملائکه.....
۲۴	۴-۲-۵-۲- تسبیح رعد.....
۲۵	۵-۲-۵-۲- تسبیح پرندگان.....
۲۶	۶-۲-۵-۲- تسبیح کوه ها.....
۲۶	۷-۲-۵-۲- تسبیح خاندان اهل بیت و مردان الهی.....
۲۶	۸-۲-۵-۲- تسبیح پیامبران.....

عنوان	صفحه
۲-۵-۲-۸-۱- تسبیح حضرت داوود (ع)	۲۶
۲-۵-۲-۸-۲- تسبیح حضرت یونس (ع)	۲۷
۲-۵-۲-۸-۲- تسبیح حضرت موسی (ع)	۲۸
۲-۵-۲-۸-۳- تسبیح حضرت زکریا (ع)	۲۸
۲-۵-۲-۸-۵- تسبیح حضرت رسول اکرم (ع)	۲۹
۲-۵-۲-۹- تسبیح علما و خردمندان	۳۰
۲-۶- آثار و برکات تسبیح خداوند از دیدگاه قرآن	۳۱
۲-۷- تسبیح در نهج البلاغه	۳۶
۲-۸- تسبیح در روایات	۳۸
۲-۸-۱- تسبیح لباس تمیز	۳۸
۲-۸-۲- تسبیح طعام	۳۸
۲-۸-۳- تسبیح دیوار	۳۹
۲-۸-۴- بحث روایی در تسبیح حیوانات	۳۹
نتیجه گیری	۴۱

فصل سوم: تجلی قرآن و احادیث اسلامی در ادب فارسی

مقدمه	۴۲
۳-۱- زمینه و پیشینه ی اثر پذیری شاعران از قرآن و حدیث	۴۳
۳-۲- علم الحدیث	۴۶
۳-۳- علت رواج زبان عربی در ایران	۴۸
۳-۴- تأثیر قرآن و احادیث اسلامی بر شعر فارسی	۵۲

فصل چهارم: تسبیح در اشعار سنایی

مقدمه	۵۸
۴-۱- عرفان در قرن ششم	۵۹
۴-۲- شعر قرن ششم	۶۰
۴-۲-۱- سبک بینابین یا سبک عهد سلجوقی	۶۱
۴-۳- زندگی نامه ی سنایی	۶۲
۴-۴- آثار سنایی	۶۶
۴-۵- خدا از دیدگاه سنایی	۶۷

عنوان	صفحه
۴-۵-۱- دلیل اول بر عدم امکان شناخت خدا - ضعف انسان.....	۶۸
۴-۵-۲- دلیل دوم بر عدم امکان شناخت خدا برای تسبیح او - نداشتن ضد.....	۷۴
۴-۵-۳- دلیل سوم بر عدم امکان شناخت خدا برای تسبیح او- مثل نداشتن.....	۷۴
۴-۶- نحوه شناخت خدا.....	۷۷
۴-۶-۱- اسما و صفات.....	۷۷
۴-۶-۲- صفات لطف و قهر.....	۷۹
۴-۶-۳- نفی صفات و درجات توحید.....	۷۹
۴-۷-۱- تسبیح خداوند با اسما الحسنی.....	۸۱
۴-۷-۱-۱- خداوند یکتا.....	۸۲
۴-۷-۲-۱- خداوند بی همتا.....	۸۴
۴-۷-۳-۱- خداوند دانا.....	۸۴
۴-۷-۴-۱- خداوند توانا.....	۸۵
۴-۷-۵-۱- خداوند بی نیاز.....	۸۶
۴-۷-۶-۱- خداوند بخشنده ی مهربان.....	۸۶
۴-۷-۷-۱- خداوند جاوید بی آغاز.....	۸۷
۴-۸-۱- تسبیح خداوند.....	۸۷
۴-۸-۱-۱- تسبیح خداوند از ناحیه خود.....	۸۷
۴-۸-۲-۱- تسبیح گویی سراسر هستی.....	۸۸
۴-۸-۳-۱- تسبیح پرندگان.....	۹۰
۴-۸-۴-۱- تسبیح ذرات عالم.....	۹۰
۴-۸-۵-۱- تسبیح رعد.....	۹۱
۴-۸-۶-۱- تسبیح کرم در دل سنگ.....	۹۲

فصل پنجم: تسبیح در اشعار عطار

مقدمه.....	۹۳
۵-۱- زندگی نامه ی عطار.....	۹۴
۵-۱-۱- عرفان عطار.....	۹۶
۵-۱-۲- مقام عطار.....	۹۷
۵-۲- آثار عطار.....	۹۷

عنوان	صفحه
۳-۵- خدا از دیدگاه عطار	۹۹
۱-۳-۵- دلیل اول بر عدم شناخت خدا و تسبیح او - ضعف انسان	۹۹
۲-۳-۵- دلیل دوم بر عدم شناخت خدا و تسبیح او - نداشتن ضد	۱۰۱
۳-۳-۵- دلیل سوم بر عدم شناخت خدا و تسبیح او - مثل نداشتن	۱۰۲
۴-۵- نحوه شناخت خدا	۱۰۳
۱-۴-۵- اسما و صفات	۱۰۴
۲-۴-۵- انسان و اسما	۱۰۵
۳-۴-۵- تشبیه و تنزیه	۱۰۶
۴-۴-۵- تنزیه خدا	۱۰۷
۵-۵- اسما الحسنی در شعر عطار	۱۰۸
۱-۵-۵- خداوند بی همتا	۱۰۹
۲-۵-۵- خداوند آفریننده	۱۰۹
۳-۵-۵- خداوند با عظمت	۱۱۰
۴-۵-۵- خداوند توانا	۱۱۱
۵-۵-۵- خداوند دانا	۱۱۱
۶-۵-۵- خداوند بی نیاز	۱۱۱
۷-۵-۵- خداوند بخشنده مهربان	۱۱۲
۸-۵-۵- خداوند جاوید بی آغاز	۱۱۴
۶-۵- تسبیح خداوند	۱۱۵
۱-۶-۵- تسبیح خداوند از ناحیه خود	۱۱۵
۲-۶-۵- تسبیح ذرات عالم	۱۱۷
۳-۶-۵- تسبیح رعد	۱۱۹
۴-۶-۵- تسبیح سنگریزه	۱۲۰
۵-۶-۵- تسبیح پرندگان	۱۲۱
نتیجه گیری	۱۲۲
فهرست آیات	۱۲۴
منابع و مأخذ	۱۲۹

فهرست شکل‌ها

صفحه	عنوان
۳۱	شکل ۱-۲- انواع آیات تسبیح در قرآن.....
۳۶	شکل ۲-۲- آثار و برکات تسبیح خداوند.....

فصل اول

کلیات

۱-۱- تبیین مسأله پژوهشی و اهمیت آن

یکی از حقایقی که در قرآن مطرح شده این است که سراسر ذرات جهان، خداوند را تسبیح می‌گویند؛ چرا که تنزیه حق تعالی فقط از خصائص انسان نیست بلکه مراتب هستی از عالی‌ترین نوع گرفته تا کوه‌های سر بر افراشته، مرغان هوا، فرشتگان و هر آن چه که به آن شی گفته می‌شود در تمام لحظات، خدا را تسبیح می‌گویند و ساحت مقدّس آن یگانه‌ی متعال را از شرک منزّه می‌شمارند. گاه قرآن تسبیح موجودات را در دایره‌ی وسیعی بیان می‌کند و آن را امری عمومی می‌داند که همه موجودات را در بر می‌گیرد (الحدید/۱)، گاهی از تسبیح فرشتگان به صراحت و یا کنایه سخن می‌گوید (الشوری/۵)، گاهی پس از یک بیان عمومی، تسبیح مرغان هوا را متذکر می‌شود (النور/۴۱) در برخی آیات تصریح شده که کوه‌ها در اوقات خاصّی خدا را تسبیح می‌گویند (ص/۱۸) و گاهی نیز از تسبیح رعد سخن به میان می‌آید (الرعد/۱۳). از طرفی تأثیر معانی و مفاهیم قرآن در طی چهارده قرن از جهات مختلف در زندگی ما انسان‌ها آشکار است این تأثیر به نحو مستقیم یا غیر مستقیم نمود پیدا کرده است. یکی از این تأثیر گذاری‌ها، نفوذ عمیق آن در اندیشه شاعران و نویسندگان ادب فارسی است. در واقع شاعران و نویسندگان با استفاده از مضامین قرآن در آثار خود هم تواناییشان را در کاربرد الفاظ و عبارات دینی نشان می‌دهند و هم تأثیر سخن خود را بر مخاطبان زیاد می‌نمایند و در پناه قداست قرآن، شیرینی خاصّی به سخن خود می‌بخشند. این تجلّی در سروده‌های فارسی زبانان سده‌های سوم و چهارم چندان زیاد نیست، اما با

گذشت زمان، شعر فارسی ارتباط خود را با قرآن و معارف اسلامی مستحکم می‌نماید به طوری که در سده‌های ششم و هفتم این نمود به اوج خود می‌رسد. هدف از انجام این رساله نشان دادن جلوه‌های کتاب خدا در اشعار دو شاعر بزرگ ادب فارسی سنایی و عطار می‌باشد تا به بازتاب موضوع تسبیح کائنات که از مفاهیم قرآنی است در اشعار این دو شاعر پردازد. در نیل به این مقصود معنای واژه تسبیح در فرهنگ لغات قرآنی و آیات قرآن و سپس تجلی این موضوع در اشعار سنایی و عطار مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۲- اهداف

۱) شناسایی مفهوم تسبیح در اشعار سنایی

۲) شناسایی مفهوم تسبیح در اشعار عطار

۱-۳- فرضیات و پرسش‌ها

۱) به نظر می‌رسد که مضمون تسبیح در اشعار سنایی بیشتر از اشعار عطار نمود داشته است.

فرضیه‌ای که به آن رسیدیم آن است که مضمون تسبیح در اشعار عطار بیشتر نمود داشته است، چنان که شعر عرفانی نیز وقتی از سنایی شروع می‌شود در مسیر خود تا به عطار و سپس در اشعار مولوی، اوج و کمال پیدا می‌کند.

۲) مضمون تسبیح در اشعار سنایی و عطار چگونه بازتاب یافته است؟

بازتاب مضمون تسبیح در قالب توحید مطرح شده است. در اشعارشان، ذات حق بی‌نشان و نامحسوس است و از هر گونه شکل و مثل بری است. ذات او علت پذیر نیست و از دگرگونی و انقسام منزّه است. از طرفی در بحث تسبیح خداوند، موضوع صفات خداوند مطرح می‌شود، که قدیم است و بری از کیفیت و منزّه از چون و چرا است. صفات حق تعالی چون قدیم، علیم، قدیر، از ذات او جدا نیست. مورد دیگر که در اشعار این دو شاعر به چشم می‌خورد، اسماء الهی است که شاعر در حمد و نیایش خود با خداوند این نام‌های زیبای الهی را متذکر می‌شود و آن‌ها را واسطه فیض خود قرار می‌دهد. خلاصه این که خداوند خورشید حقیقت است «الله نور السموات و الارض» (النور/۲۵) و ما را به سوی وادی توحید رهنمون است.

۳) زمینه‌های انعکاس تسبیح در اشعار سنایی و عطار چیست؟

الف- یکی از زمینه‌های انعکاس تسبیح در اشعار سنایی و عطار، همان است که شعر را قالبی برای وعظ و پند و اخلاق قرار داده‌اند.

ب- از دیگر مواردی که باعث بروز انعکاس تسییح در اشعار سنایی و عطار شده، شعر را جلوه گاه عرفان ساختن و مریدان را بدان پروردن است.

ج- از طرفی زمینه انعکاس قرآن و آوردن این مفاهیم زیبا در سروده، نشانه‌ی دانشمندی و روشنفکری در شعر محسوب می‌شد، که این مورد درباره‌ی شعر سنایی و عطار صدق می‌کند.

۱-۴- پیشینه تحقیق

درباره‌ی موضوع تسییح در حوزه تحقیقات دینی و ادبی ذیل فرهنگ‌ها توضیحاتی آمده است. لازم به ذکر است که تحت عنوان تسییح در ادبیات فارسی منبعی مشاهده نگردیده و این رساله اولین کار مستقل در این زمینه است.

۱-۵- روش تحقیق و مراحل آن

روش تحقیق در این پایان نامه به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است. برای رسیدن به این هدف ابتدا موضوع تسییح، در کتب لغت مورد بررسی قرار گرفته است و سپس به چگونگی بازتاب این موضوع در آثار سنایی و عطار پرداخته شده است.

فصل دوم

تسبیح در قرآن و روایات

مقدمه

قرآن این کتاب آسمانی، معجزه‌ی جاوید پیامبر اسلام (ص) کتاب روشنگری است که انسان‌ها را به بهترین راه هدایت می‌کند. قرآن کتاب بیان است. کتابی که ظاهری دارد و باطنی که همه حکمت است. ظاهر قرآن ظریف و لطیف و باطن آن ژرف و عمیق است که چراغ هدایت و مشعل حکمت جوامع است. قرآن بیانگر قانون کاملی برای زندگی بشر است. قانونی که تمام جوانب حیات را در بر می‌گیرد و انسان را به سعادت رهنمون می‌کند.

یکی از زیباترین جلوه‌های هستی که در حوزه معرفت‌شناسی قرآن بدان اشاره گردیده موضوع تسبیح موجودات در برابر آفریدگار جهانیان است. خداوند در برخی از آیات قرآن ضمن اشاره به تسبیح موجودات از این تسبیح همراه با حمد یاد نموده و به انسان‌ها سفارش می‌کند تا در اوقات خاصی از شبانه روز به تسبیح و ی پرده‌ازند. به این ترتیب که هرگاه موجودات خداوند را از این منظر که دارای صفات کمال و جمال و مبداء کارهای خیر است ستایش کنند در واقع حمد او را به جا آورده‌اند اما اگر ذات حق را از تمام عیب‌ها و نقص‌ها منزّه دارند به تسبیح او پرداخته‌اند و چون هیچ موجودی نمی‌تواند به کنه صفات خداوند پی ببرد لذا شایسته است حمد خود را با تسبیح قرین سازد چراکه از دید همه‌ی مفسران و قرآن پژوهان تسبیح و تحمید کامل خداوند توسط موجوداتی که خود دارای نقصان و کاستی هستند غیر ممکن خواهد بود و هیچ موجودی نخواهد توانست

خداوند را آن گونه که شایسته اوست حمد گوید بنابراین حمد خداوند متعال از جانب ایشان با تسبیح همراه گشته تا از این طریق خدا را از حمدی که برای او به جا می‌آورند تنزیه نمایند. (جوادی آملی، ۱۳۶۵، ج ۱، ۲۷۷-۲۷۶)

آیات و روایات فراوانی نیز وجود دارد که به صراحت به این مطلب اشاره می‌کند؛ ولی در این که تسبیح و تحمید موجودات در جهان خلقت به چه زبانی است سخنی بحث انگیز است. گروهی تسبیح موجودات را به زبان قال و گروهی به زبان حال تعبیر نموده و گروهی قائل به تفصیل شده‌اند و بین دو زبان را جمع کرده و معتقدند که جانداران به زبان قال و دیگر اجزای آفرینش به زبان حال به تسبیح و تحمید آفریدگار خویش مشغول هستند. در این رساله تلاش شده ابتدا تسبیح با معنای لغوی و اصطلاحی تبیین گردد سپس به این مسأله پرداخته شود که چرا خداوند در مقام نزاهت ذات خویش تسبیح را به حمد قرین ساخته است.

۲-۱- تسبیح در لغت

تسبیح در لغت از ریشه «سبح» به معنی «شنا کردن» است: «و السَّبْحُ مصدرٌ كَالسَّبَّاحَةِ، سَبَّحَ السَّبَّاحُ فِي الْمَاءِ» (فراهیدی، ۱۴۰۵، ج ۳: ۱۵۲)

و در مقایسه اللغة آمده است: «السَّبْحُ وَ السَّبَّاحَةُ: الْعَوْمُ فِي الْمَاءِ» (احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴، ج ۳: ۱۴۳)

این معنا در دیگر کتابهای لغوی نیز ذکر شده است: «السَّبْحُ وَ السَّبَّاحَةُ: الْعَوْمُ» (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۶: ۱۴۳) در کتاب تاج العروس چنین آمده است: «سبح بالنهر، و فیه، کمنح و سباحه و بالکسر عام» (حسینی زبیدی، ۱۳۶۹، ج ۶: ۴۴۳) و در مفردات راغب آمده است: «السَّبْحُ الْمَرُّ السَّرِيعُ فِي الْمَاءِ وَ فِي الْهَوَاءِ» که سَبَّحَ حرکت سریع در آب و هواست (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۲۲۱) محققان ادبیات عرب ریشه لغوی «سبح» را چنین معنا نموده‌اند به طوری که به شناگری که دور می‌شده است سباح می‌گفتند و به اسب تازی که از چشم‌ها دور می‌گشت هم آن را اطلاق می‌کردند. پیوند این دو معنا روشن است چون «عوم» که در معنای «سبح» آمده به معنی شناگری در ژرفای آب و از چشم دور شدن است. (حسینی زبیدی، ۱۳۶۹، ج ۶: ۴۴۳)

به این ترتیب این معنا در مورد هر آنچه که از دیده به دور و فراتر از تصور است استعمال شده است و ظاهراً استعمال آن در تنزیه ذات خداوند نیز با توجه به این نکته است. (ابوعوره، ۱۴۰۵: ۱۱۰-۱۱۱)

سَبَّحَ معنای دیگری هم دارد: ۱. فراغ. ۲. سکون. ۳. تصرف در معاش. ۴. زیادی کلام... (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۶: ۱۴۳-۱۴۶)

مشقات تسبیح در قرآن ۹۲ بار تکرار شده است. این موارد در ۸۸ آیه از ۴۹ سوره‌ی قرآن به اشکال مختلف در آمده است از جمله به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

سُبُوح: از صفات خداوند متعال است و به معنای کسی است که از هر سوء و بدی پیراسته است.
 السبحة: دانه‌های تسبیح را گویند که مسَبِّح با آن، تسبیح خود را می‌شمرد و معنای دیگر آن دعاء و نماز نافله است.
 السبحة: نام اسب حضرت رسول (ص) و اسب جعفر بن ابیطالب است و به جامه چرمین نیز سبحة گویند.
 السبحات: مواضع سجود را گویند و منظور از سبحات وجه الله: انوار وجه الهی است.
 المسبحة: انگشتی که در تسبیح مشارکت دارد. (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۶: ۱۴۵-۱۴۶) (حسینی زبیدی، ۱۳۶۹، ج ۶: ۴۴۸)

۲-۱-۱- تسبیح در اصطلاح

تسبیح مصدر فعل «سبح» منزّه داشتن است و تنزیه خداوند آن است که هر چیزی را که مستلزم نقص و حاجت و ناسازگاری با ساحت کمال باری تعالی باشد از ساحت او نفی کنی و به این معتقد باشی که خداوند این صفات و اعمال را ندارد. پس تنزیه خداوند از نقایص در حقیقت تسبیح خدا محسوب می‌شود.

شیخ طوسی در کتاب التبیان فی تفسیر القرآن خود تسبیح را تنزیه و پیراستن از بدی‌ها و سوء بنا بر وجه تعظیم آورده و معتقد است که هر کسی که عمل خیری را به نیت و قصد تقرب به خدا انجام دهد در واقع خداوند را تسبیح گفته است. (طوسی، بی تا، ج ۱: ۲۱۱) طبری هم در این مورد همین نظر را دارد: «التنزیه له من إضافة ما ليس من صفاته اليه، و التبريه له من ذلك». (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۱۱)

همان طور که ذکر شد معنای اصلی تسبیح، تنزیه است ولی معانی و مصداق‌های دیگری هم برای آن آورده‌اند: الف) یکی از مصداق‌های تسبیح، نماز است. نماز، تسبیح نامیده شده است زیرا تسبیح بزرگداشت خدا و پیراستن او از هر سوء و بدی است و نماز هم چنین است. بنا بر همین معنا بعضی از آیات قرآن تفسیر شده است. (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۶: ۱۴۵) (حسینی زبیدی، ۱۳۶۹، ج ۶: ۴۵۰)؛ به عنوان مثال آیه «فَسَبِّحْهُنَّ اللَّهُ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ» (الرُّوم/ ۱۷) «پس خدا را در نماز هنگام مغرب و صبح تسبیح و ستایش کنید.» و در آیه «وَسَبِّحْ بِالْعُشِيِّ وَالْإِبْكَارِ» (آل عمران/ ۴۱). و تسبیح گوی شامگاهان و بامداد، مطابق با نظر عدّه‌ای از مفسران، امر به نماز در دو وقت صبح و عصر است.

ب) عدّه‌ای معنای تسبیح را استثناء گرفته‌اند، به عنوان مثال آیه «أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تُسَبِّحُونَ» (القلم/ ۲۸) «من به شما نگفتم چرا تسبیح خدا را به جا نیاوردید؟» «تسبحون» را «تستنون» تفسیر کردند و علت آن را چنین بیان

کردند که در معنای استثناء تعظیم خداوند متعال و اقرار به این که خواست خدا بر خواست همه برتری دارد و به همین دلیل تنزیه خداوند در موقع استثناء قرار گرفته است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۶: ۱۴۵-۱۴۶) (حسینی زبیدی، ۱۳۶۹، ج ۶: ۴۵۳-۴۵۴).

بنا به نظر رشید الدین میدی: «در قرآن ذکر تسبیح به چهار لفظ بیاید به لفظ مصدر و ماضی و مستقبل و امر و این کلمه بر اختلاف الفاظ بر دو معنی حمل کنند. یا بر صلوة و یا بر معنی تنزیه و تمجید. ابن عباس بر معنی صلوة نهاد و بر قول مفسران دیگر تسبیح تنزیه است و تمجید. ابن عباس از علی بن ابیطالب (ع) پرسید از تسبیح؟ گفت: انزاة الله عن السوء» (میدی، ۱۳۶۱، ج ۹: ۴۷۵).

در مورد سوره‌هایی که با تسبیح خداوند شروع می‌شوند در تفسیر نمونه بیان شده است، که مسبحات پنج سوره است: حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲۳: ۲۹۳).

بعضی هم سوره اسراء و اعلی را به این پنج سوره اضافه کرده‌اند و به این هفت سوره از قرآن که با تسبیح الهی آغاز می‌شوند «مسبحات» گفته‌اند. (کلینی، بی تا، ج ۲: ۱۲۲).

در سه مورد از این سور، تسبیح به صورت صیغهی ماضی آمده است.

«سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (الحدید / ۱)

«هر چه در زمین و آسمان‌ها است همه به تسبیح و ستایش یکتا خدای که مقتدر و حکیم است مشغولند.»

و در (آیه ۱) از سوره‌های حشر و صف. «سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

«هر چه در زمین و آسمان‌ها است همه به تسبیح و ستایش یکتا خدای عالم که مقتدر و حکیم است مشغولند.»

در دو مورد به صورت صیغهی مضارع آمده است. «يَسْبُحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (الجمعه / ۱). «هر چه در زمین و آسمان‌ها است همه به تسبیح و ستایش خدا که پادشاهی منزّه و پاک و مقتدر دانا است مشغولند.»

«يَسْبُحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَكَ الْمَلَكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (التغابن / ۱).

«هر چه در زمین و آسمان‌ها است همه به تسبیح خدا مشغولند که ملک هستی و ستایش عالم برای اوست که

او بر هر چیزی توانا است.»

در سوره اعلی صیغه امر به کار رفته است. «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» (الاعلی / ۱). «به نام خدای خود که برتر از

همه‌ی موجودات است تسبیح کن.» «چون گاهی سُبْح را به صیغهی ماضی و گذشته و گاه دیگر به صیغه سَبِّح به

صیغه مضارع و حال فرموده، آگاهی دادن خردمند و ادیب و بصیر دانا بر دوام و همیشگی وقوع در آینده است

یعنی او را تنزیه نمودند ممکنات پیشین و تنزیه می‌نمایند موجودات آینده از آن چه در زمین و آسمان‌ها است. از جهت سبب‌ها و علل پیشین و تنزیه می‌نمایند موجودات آینده از آن چه در زمین و آسمان‌ها است. از جهت سبب‌ها و علل پیشین و عوارض و نتایج بعدیشان. «صدرالمآلهین شیرازی، بی تا، ۱۷)

«(سبحه) دعا و ذکر. (سبحه) در اصطلاح صوفیه، تاریکی است که حق عزّ‌آسمه عالم و عالمیان را در آن آفرید. پس رشحه‌ای از نور خود بر عالمیان پاشید پس هر که را از آن نور بهره‌ای رسید، هدایت یافت و هر کس از آن بی بهره ماند گمراه و سرگردان ماند. (سبح) شناوری نمودن، شنا کردن. سبح در کلام: فزون گفتن. سبح قوم: بر گردیدن و آمدن و رفتن ایشان و پراکنده گشتن در زمین. دور رفتن. در کلیات آمده که سبح گذشتن سریع در آب و هواست و به طور استعاره کلمه را در گذشتن ستارگان و دویدن اسب و به سرعت رفتن در کار نیز آورند. (سبحات) جایهای سجود، مواضع سجود. (سبحات وجه الله) انوار اوست و جلالت وی تعالی شأنه. «(دهخدا، ۱۲۵۸-۱۳۳۴: ذیل سبحان)

بنابراین مشخص شد تسییح از ریشه «سبح» به معنی «شنا» است و به شناگری که دور می‌شده «سابع» می‌گفتند و همچنین به اسب تازی که از چشم‌ها دور می‌گشت هم، آن را اطلاق می‌کردند و ظاهراً استعمال آن در تنزیه ذات خداوند با توجه به این نکته است، چراکه تسییح در اصطلاح به معنی منزّه دانستن خداوند از نقائص امکان است یعنی این که ساحت باری تعالی را از هر چیزی که نقص و حاجت در آن باشد، مبرا بدانی. از آن جا که «سبحان» هم، از ریشه «تسییح» است، در ادامه بعد از تسییح در لغت و اصطلاح، وارد این مبحث می‌شویم تا ببینیم چه معنایی دارد.

۲-۲- سبحان

«سبحان مصدری است به معنای پاک کردن خدا از بدی. سبحان: پاک و مقدّس. سبحان الله: جمله‌ی فعلیه دعاییه که در فارسی جزو صوت تعجب و تحسّر است یعنی دوری و پاکی است مر خدای را از زن و فرزند. (سبحله) یعنی سبحان الله گفتن. «(دهخدا، ۱۲۵۸-۱۳۳۴، ج ۲۸: ۲۲۶)

۱. بعضی بیان داشته‌اند که «سبحان» مصدر است به معنای «تسییح کردن» و «منزّه داشتن» مثل «کفران» و «غفران» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۲۲۱)

۲. بعضی معتقدند که «سبحان» اسم مصدر از ماده «تسییح» به معنای «تنزیه» است. (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۴۴۴) (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۳: ۷)